

خانواده شبانی می‌توانستند مانند

حدوده۳۰۰ هزار خانواده دیگر رفتار

کنند، می‌توانستند که تن فرزندشان را زمانی که دچار مرگ مغزی شده بود، به خاک بسپارند، این خانواده اما تصمیم درستی گرفتند و راه دیگری را انتخاب کرده، رضایت به اهدای اعضای فرزندشان دادند. آنها هم زندگی بخشدند و هم به قول خودشان، باعث ادامه حیات پسر نوجوان‌شان، به شکل دیگری شدند. در روز «اهدای عضو»، سراغ روایت امیرحسان شبانی میلاجردی رفتیم، پسرپچه ۱۱ ساله‌ای که به خاطر یک تب ساده در بیمارستان بستری و بعد از یک‌ماه و نیم با بخشش، جاودانه شد.

تصادف را ندانگی، شایع‌ترین علت مرگ مغزی در ایران است، هر سال حدود ۲۰هزار مرگ ناشی از تصادف در ایران رخ می‌دهد و از این میان، سالانه حدود ۸۰۰۰ مورد مرگ مغزی اتفاق می‌افتد. از این میان اما، نصف این تعداد بیماران مرگ مغزی، قابلیت اهدا دارند؛ به عبارتی، سالانه حدود ۴۰۰۰ مورد مناسب اهدای عضو در ایران وجود دارد. این در حالی است که کمتر از یک‌سوم این تعداد، اهدا اتفاق می‌افتد، ب‌دتر اما این است که حدود ۲۵ هزار نفر در لیست انتظار دریافت عضو قرار دارند و هر سال هم حدود ۳۰۰ نفر در جهان به خاطر نبود عضو از دنیا می‌روند. خانواده شبانی اما جزو، آن یک‌سوم خانواده‌ای هستند که تصمیم به اهدای زندگی می‌گیرند.

#### یک اتفاق ساده

ثانیه به ثانیه آن روزهای تلخ را والدین امیرحسان شبانی میلاجردی هنوز به یاد دارند، روزهایی را که پسر ۱۱ ساله‌شان، بهار زندگی‌اش به پایان رسید و خزان و زمستان را تجربه کرد؛ بهار دیگری اما در انتظار امیرحسان بود. همه چیز از یک روز سرد زمستانی شروع شد؛ روزهای آخر سال بود، همه خود را برای فرارسیدن سال نو آماده می‌کردند؛ خرید عید را انجام می‌دادند یا خانه‌تکانی می‌کردند. برای خانواده شبانی اما روزگار خواب دیگری دیده بود. آرزو روستایی، پزشک و مادر خانواده تعریف می‌کند: «هفدهم اسفند بود و امیرحسان بعد از بازگشت از تمرین فوتبال، پیش من از

نایب‌رئیس هیأت‌مدیره انجمن اهدای عضو ایرانیان گفت: از زمان تصویب قانون پیوند عضو از افراد مرگ مغزی در مجلس شورای اسلامی تا به امروز، با اهدای عضو ۱۲ هزار و ۸۰۰ نفر موافقت شده است. امید قبادی با بیان این‌که ایران توانسته رتبه نخست اهدای عضو در میان کشورهای آسیایی را از آن خود کند، توضیح داد: کره جنوبی و امارات نیز توانسته‌اند به‌ترتیب جایگاه

## ایران رکورددار اهدای عضو در آسیا

مرگ، پایان امیرحسان نبود

# نجات زندگی



خستگی شدید شکایت کرد.»

مادر، علائم فرزندش را بررسی کرد، تب و بی حالی، باعث شد که او نسخه‌ای تجویز کند تا بیماری التیام یابد. چند روز بعد اما تب پایین نیامد، بی حالی البته کم شده بود و همین باعث شد تا او، فرزندش را در بیمارستان بستری کند. در بیمارستان نیز تلاش پزشکان جواب نداد و تب او پایین نیامد. آزمایش‌ها هم هیچ عفونتی را در خون او نشان نمی‌داد. همه چیز عجیب و غریب بود و خانم روستایی می‌گوید، نه خودش و نه پزشکان دیگر نمی‌دانستند که مشکل چیست؟ بعد از چند روز، خانواده شبانی تصمیم گرفتند تا فرزندشان را

برای ادامه درمان، به بیمارستان دیگری منتقل کنند؛ آمبولانس برای انتقال آماده و همه کارهای انتقال هم انجام شده بود اما اتفاق دیگری افتاد. روستایی می‌گوید: «در زمان انتقال، به یکباره امیرحسان، تشنج کرد و هر دارویی که تزریق کردند، تشنج او قطع نشد.» به اجبار دارویی تزریق شد و امیرحسان را به خواب مصنوعی بردند تا آسیب کمتری به مغزش وارد شود. بعد از انتقال به بیمارستان مقصد، امیرحسان را از کما خارج کردند تا درمان را شروع کنند او اما دوباره تشنج کرد و به اجبار او را به کما باگردانند.

#### انتظار معجزه

روزها می‌گذشت اما شرایط امیرحسان بهبود پیدا نمی‌کرد و آرام‌آرام هوشیاری مغزش هم از دست می‌رفت. آب پاکی را پزشک پسرپچه روی دست خانواده ریخت. روستایی می‌گوید: «پزشکش گفت که امیرحسان دچار مرگ مغزی شده است.» باور این اتفاق برای خانواده سخت بود؛ پسر ورزشکار و سالم‌شان، با پای خودش به بیمارستان آمده بود و حالا درخت زندگی‌اش در بهار، خزان زده و برگ‌هایش یکی یکی در حال فروافتادن بود. بعد از اعلام این خبر، پرسنل بیمارستان موضوع اهدای عضو را مطرح کردند. خانم روستایی می‌گوید: «من و پدرش، موافق اهدا بودیم اما امید به بازگشت داشتیم.» حسن مادری و غیربوابرپذیر بودن آنچه که بر امیرحسان گذشته، باعث می‌شد که مادر صبر کند و منتظر خبر خوش باشد. او می‌گوید که آن روزهایی که خبر مرگ مغزی را دادند، روزهای منتهی به شب قدر بود و او و اعضای خانواده دعا می‌کردند و منتظر معجزه‌ای از طرف خداوند بودند. البته که معجزه اتفاق افتاد؛ هم برای امیرحسان و هم برای افراد دیگری. روستایی می‌گوید که از زمان مرگ مغزی تا روز اهدا که الکترودهای مغزی در جریان بودند، حدود ۱۲ روز طول کشید اما احساس می‌کند امیرحسان می‌خواست کسب اجازه کند از پدر و مادرش برای رفتن و آنها را آماده کند.

خانم روستایی می‌گوید: «امیرحسان، پسر مودب و بخشنده‌ای بود، همیشه قبل از ورود به خانه، به من و پدرش تعارف می‌کرد تا اول وارد خانه شوم. او همیشه مراقب بود تا رضایت ما را کسب کند.» او در مدرسه هم نسبت به دوستانش مهربان و بخشنده بود و به نظر روستایی همه اینها باعث شد تا امیرحسان، زندگی‌اش را به شکل دیگری ادامه دهد؛ با بخشش.

#### زندگی دوباره

روستایی به یاد دارد، زمانی را که وداع با فرزندش تمام شد و بعد پرسنل بیمارستان امیرحسان را به اتاق عمل بردند، در چشمانش، فرزند کوچکش قد کشیده و مانند مردی بزرگ و بخشنده رخ نموده بود. چند ساعت بعد، زندگی

پیوند عضو توضیح داد: اسپانیا در جایگاه نخست پیوند عضو قرار دارد و کشور ما نیز جایگاه سی‌ویکم را از آن خود کرده است. حدود ۳۰ سال است اسپانیا توانسته رتبه نخست پیوند عضو را داشته باشد و آمریکا، پرتغال، بلژیک و اسلونی در جایگاه‌های بعدی قرار دارند. به‌گفته وی هشت عضو بدن قابل اهداست و می‌تواند جان هشت نفر را نجات دهد. ۷/ایسنا

#### برش

### رسم بخشدگی

این اولین بار نیست که در خانواده روستایی، اهدای عضو انجام شده و خانواده این پزشک، با این عمل خیر بیگانه نیستند؛ این رسم خانوادگی روستایی و شبانی است، این که بخشنده باشند، پیش از این هم در خانواده آنها عضوی اهدا شده بود. روستایی می‌گوید که پیش از این هم در سال ۹۲، برادرزن برادرش در تصادفی دچار مرگ مغزی شد و همان زمان هم خانواده پسر جوان، رضایت به اهدای عضو دادند، بنابراین پذیرش اهدای عضو برای روستایی و خانواده‌اش قابل قبول بود، البته که پزشک بودن او نیز مزید بر علت شده تا عمل خیر را انجام دهد، هرچند او می‌گوید: «خارج از پزشک بودن، من مادرم.» خانم روستایی برای عملی کردن این تصمیم با چالش دیگری هم روبه‌رو بوده است. او باید خواهر را آماده وداع با برادرش می‌کرد. او می‌گوید: «به دختر کوچک‌ترم که بی‌تاب برادرش بود، گفتم امیرحسان زنده است اما در بدن دیگری، این بهتر است یا این که برادرت به کسی زندگی نبخشد؟ و این شد که خواهرش هم رضایت داد به بخشش برادر.»

امیرحسان به شکل دیگری ادامه پیدا کرد. از بیمارستان شمال تهران، آمبولانس‌ها پشت‌سر هم و یکی یکی به سمت فرودگاه یا به سمت بیمارستانی دیگر در پایتخت در حرکت بودند. آنها حامل اعضای امیرحسان بودند؛ مثل قلب، کلیه‌ها و کبد او که اهدا شد. خانم روستایی می‌گوید که قلب پسرش، در سینه پسرپچه‌ای که حدود پنج سال منتظر دریافت قلب بوده، جای گرفته است. این خبر را در گروه پزشکان بیمارستان قلب تهران دیده است. هجدهم فروردین ۹۳، امیرحسان به دنیا آمد اما روستایی معتقد است با اهدای عضو فرزندش، او دوباره متولد شد.

طراح: بیژن گورانی

جدول ۶۹۹۸

جدول عادی

**افقی:** (۱) جنگ افرار- رودی در عراق- از ملزومات بهداشت فردی (۲) ازوانج چین خورگگی های زمین- حفاظت از مناطق مرزی (۳) جوانمرد- تکیه کردن- نابود شونده (۴) گروه- ریشه در آداب و رسوم قدیم دارد- پرخاش (۵) مروارید- ورزشی رزمی- کشور آفریقایی همسایه آنگولا (۶) نامی دخترانه- اثرگذاری- پهناور (۷) خبرگزاری ایتالیا- شیوه رفتار- ناسازگویی (۸) شرح زندگانی این عارف بزرگ در تذکرة الاولیای عطار آمده است (۹) کشتی جنگی- بر حرارت- راه فرار (۱۰) راست و درست- پروانه- بیماری بر قان (۱۱) استفرغ- گازی قابل اشتعال- برنده سخنگو- صوت شگفتی (۱۲) کند زبان- خط منشور کوروش- شغل رسمی (۱۳) تکاپوی بی حاصل- چراغ پیه سوز قدیمی- رشته کوهی در مرکز اروپا (۱۴) شرافت- ماه تابستانی (۱۵) باستانی- کبسه کش حمام- محل وصول عوارض مرزی.

**عمودی:** (۱) یک خط از نوشته‌ای- زمانه- محموله غیرقانونی (۲) ناشناخته- یاکتری میله‌ای- ناپسند (۳) پاک‌تر- پیامبر زده ساز- عنوان هریک از پادشاهان ساسانی (۴) اندازه- مشابَهت- شخصیت اصلی سریال جواهری در قصر (۵) تکیه‌کلام درویش- خوشبختی- نوعی پختن برج (۶) واحد شمارش لباس- پست فطرتی- خدای مصریان قدیم (۷) خورشید گرفتگی- عداوت- وحشی (۸) زبان عربی- اسباب و لوازم- دوست خالص (۹) آفای آلمانی- دروغ دانستن سخنی- شهری در استان مرکزی (۱۰) غم‌انگیز- شاعر نابینا

حل جدول عادی ۶۹۹۷

|    |    |    |    |    |    |   |   |   |   |   |    |    |    |    |
|----|----|----|----|----|----|---|---|---|---|---|----|----|----|----|
| ۱۵ | ۱۴ | ۱۳ | ۱۲ | ۱۱ | ۱۰ | ۹ | ۸ | ۷ | ۶ | ۵ | ۴  | ۳  | ۲  | ۱  |
| ۱  | م  | ک  | ا  | ب  | ف  | ز | ا | م | ز | د | م  | ۲  | ۳  | ۴  |
| ۲  | ک  | خ  | ت  | ی  | م  | و | ر | ی | م | ش | ر  | ۵  | ۶  | ۷  |
| ۳  | م  | د  | ا  | ر  | ک  | م | ب | ا | ل | ی | ز  | ۸  | ۹  | ۱۰ |
| ۴  | خ  | ا  | ن  | ر  | ا  | ج | س | و | ل | ف | د  | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ |
| ۵  | ر  | و  | ی  | م  | ج  | ا | ب | و | ک | ا | ن  | ۱۴ | ۱۵ | ۱۶ |
| ۶  | ا  | م  | د  | ر  | ا  | ب | ا | د | ن | و | ل  | ۱۷ | ۱۸ | ۱۹ |
| ۷  | ر  | و  | ی  | م  | ج  | ا | ب | و | ک | ا | ن  | ۲۰ | ۲۱ | ۲۲ |
| ۸  | ز  | ل  | ر  | ب  | ا  | ط | ف | ی | ا | ن | ب  | ۲۳ | ۲۴ | ۲۵ |
| ۹  | م  | ت  | ر  | م  | د  | ه | ی | د | ر | س | ی  | ۲۶ | ۲۷ | ۲۸ |
| ۱۰ | ش  | ر  | و  | ه  | ر  | ی | م | ج | ا | ب | و  | ۲۹ | ۳۰ | ۳۱ |
| ۱۱ | ا  | س  | ی  | ا  | م  | و | ر | ا | ی | ب | م  | ۳۲ | ۳۳ | ۳۴ |
| ۱۲ | ه  | و  | ا  | س  | ا  | ز | ر | ک | ا | ب | ن  | ۳۵ | ۳۶ | ۳۷ |
| ۱۳ | ی  | ک  | م  | ی  | ک  | ا | ق | ل | ی | ا | ق  | ۳۸ | ۳۹ | ۴۰ |
| ۱۴ | ا  | ی  | ک  | ی  | و  | ا | د | ی | ت | و | ر  | ۴۱ | ۴۲ | ۴۳ |
| ۱۵ | م  | د  | ا  | م  | ت  | ر | س | ک | ا | ن | ۴۴ | ۴۵ | ۴۶ | ۴۷ |

حل جدول ویژه ۶۹۹۷

|    |    |    |    |    |    |   |   |   |   |   |   |    |    |    |
|----|----|----|----|----|----|---|---|---|---|---|---|----|----|----|
| ۱۵ | ۱۴ | ۱۳ | ۱۲ | ۱۱ | ۱۰ | ۹ | ۸ | ۷ | ۶ | ۵ | ۴ | ۳  | ۲  | ۱  |
| ۱  | م  | ا  | د  | م  | ۲  | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹  | ۱۰ | ۱۱ |
| ۲  | ش  | ر  | ا  | ب  | ا  | ط | ف | ی | ا | ن | ب | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ |
| ۳  | م  | د  | ر  | ک  | م  | ب | ا | ل | ی | ز | د | ۱۵ | ۱۶ | ۱۷ |
| ۴  | خ  | ا  | ن  | ر  | ا  | ج | س | و | ل | ف | د | ۱۸ | ۱۹ | ۲۰ |
| ۵  | ر  | و  | ی  | م  | ج  | ا | ب | و | ک | ا | ن | ۲۱ | ۲۲ | ۲۳ |
| ۶  | ش  | ر  | ا  | ب  | ا  | ط | ف | ی | ا | ن | ب | ۲۴ | ۲۵ | ۲۶ |
| ۷  | م  | د  | ر  | ک  | م  | ب | ا | ل | ی | ز | د | ۲۷ | ۲۸ | ۲۹ |
| ۸  | خ  | ا  | ن  | ر  | ا  | ج | س | و | ل | ف | د | ۳۰ | ۳۱ | ۳۲ |
| ۹  | م  | ت  | ر  | م  | د  | ه | ی | د | ر | س | ی | ۳۳ | ۳۴ | ۳۵ |
| ۱۰ | ش  | ر  | و  | ه  | ر  | ی | م | ج | ا | ب | و | ۳۶ | ۳۷ | ۳۸ |
| ۱۱ | ا  | س  | ی  | ا  | م  | و | ر | ا | ی | ب | م | ۳۹ | ۴۰ | ۴۱ |
| ۱۲ | ه  | و  | ا  | س  | ا  | ز | ر | ک | ا | ب | ن | ۴۲ | ۴۳ | ۴۴ |
| ۱۳ | ی  | ک  | م  | ی  | ک  | ا | ق | ل | ی | ا | ق | ۴۵ | ۴۶ | ۴۷ |
| ۱۴ | ا  | ی  | ک  | ی  | و  | ا | د | ی | ت | و | ر | ۴۸ | ۴۹ | ۵۰ |
| ۱۵ | م  | د  | ل  | ق  | م  | ن | ا | ع | ت | ر | ف | ت  | ۵۱ | ۵۲ |

م الف ۱۰۳۷-۱۴۰۴

شهرداری قشم